گزارش

صالحی: مهاجرت نخبگان یکی از مشکلات ایران است

باید تکلیفمان با دنیا را روشن کنیم

آرمان ملی- نکوداشت علی اکبر صالحی در کتابخانه ملی برگزار شد. علی اکبر صالحی در این مراسم با تسلیت ایام فاطمیه (س)، گفت: از برادر، استاد و مرشد خودم جناب آقای محقق داماد که توفیق اشنایی بیش از چهار دهه را خدمت ایشان دارم به خاطر لطف و مهر ایشان سپاسگزار و ممنونم. یکی از الطاف خفیه این است که کوی‌های بن‌بست را می‌پوشاند و خوبی‌ها را به نمایش می‌گذارد. رئیس سابق سازمان انرژی اتمی افزود: تناقضی را امروز شاهد هستیم که یکی به نام خدا سر می‌برد و دیگری به نام خدا جان می‌بخشد. واقعا جراحان واسطه فیض بین خالق و مخلوق هستند و همیشه به آن‌ها گفته ام قدر خودتان را بدانید، هیچ کس به اندازه شما این قدر روش بین خالق و مخلوق جا نمی‌گیرد. این‌ها جان می‌بخشند. وی یادآور شد: علم بدون دین هم هیروشیما و ناکازاکی می‌شود. صالحی با اشاره به تعریف علمی، تصریح کرد: ظاهر قضیه این است که می‌گویند علم دو قسم است و «علم ادیان» تعریف به دین می‌شود و «علم ابدان» هم تعریف به پزشکی می‌شود. یکی بنده با جسارت می‌خواهم بگویم علم الادیان بخش نرم افزاری علم است و بخش معرفت شناسی است. علم الابدان، چون بدن را هم جمع بسته، علم ماده و بخش سخت افزاری است. وی با بیان اینکه «ترویج علم» یک عبارت گویا و کاملی است، اظهار داشت: این عبارت هم می‌تواند ناظر به تولید علم و هم ناظر بر نشر علم باشد. من نمی‌خواهم نسبت به پیشینیان خودمان غلوّ آمیز صحبت کنم. ولی واقعا برای یک پژوهنده ببینید که ۱۴۰۰ سال پیش راجع به علم چه بیانات دارند که واقعا هرچقدر هم در بهترین دانشگاه‌ها بگردید، آخرش به همین حکمت می‌رسید. می‌فرماید علم گنج بزرگی است که تمامی ندارد. این عبارت گویاه، ولی پرار معنا است و در ۱۴۰۰ سال قبل در حجاز و عربستان گفته شده است. رئیس سابق سازمان انرژی اتمی ادامه داد: حضرت رسول (ص) می‌فرمایند دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌ها است. همچنین حضرت علی می‌فرمایند علم قدرت است و هر کس آن را بیابد، چیره می‌شود و هر که فاقد آن باشد، حتی مسلمان و مؤمن، به او چیره شوید. این گفته در شرایط فعلی کشور، خیلی معنا دارد. وی با تأکید بر اینکه اگر بدون سلاح علم بخواهیم قدرت نمایی کنیم بهتر است که نکنیم، چون گرفتار می‌شویم، اظهار داشت: در تولید علم نیاز به زمینه‌های متعدد داریم، ولی مهمترین آن «بسط عدالت اجتماعی» است. در جامعه‌ای که عدالت نباشد، علم به نامی گیرد. اوایل دهه ۷۰ روی این مبحث صحبت کردیم که چه بسا این سیناهای فراوانی به خاطر عدم دسترسی به آموزش تلف می‌شوند. در سیستان و بلوچستان، کردستان و کرمان و کرمانشاه بالقوه این سینا است، ولی اگر عدالت اجتماعی نباشد، ما شرایط را برای تولید و توسعه علم فراهم نکرده ایم. معاون سابق رئیس جمهوری یادآور شد: همان دهه ۷۰ در مناطق محروم دبیرستان‌های شبانه روزی راه اندازی کردیم و دبیران را از تهران می‌فرستادیم. ما شاهد بودیم که دانش آموزی که پدر و مادرش زباله می‌چیدند، ولی خوددانش آموزان سرآمد بوده است و جمهوری اسلامی کاری کرده است که این قدر درس بخواند. خطر پذیر بودن و اهل کنکاش بودن و بخردبار بودن از روحیه مشارکت جمعی از دیگر ضرورت‌های تولید و توسعه علمی در کشور است. روحیه همکاری و کار گروهی از این زمینه بسیار مهم است و حتی در سالم توسعه شده است که حتی برای غذا خوردن در جمع ساختیم و فرادای آن را نخوریم. وی ادامه داد: در نشر علم اگر بخواهیم خودمان را معدول از جهان کنیم، سقف پرواز ما محدود است. در نشر علم، ارتباط بین المللی خیلی ضروری است. ممکن است آفاتی هم داشته باشد، ولی هر چیزی آفاتی دارد. باید هم دست وقتی اینترنت می‌خواست به ایران بیاید من رئیس دانشگاه صنعتی شریف بودم و این دانشگاه شروع کننده و آورنده اینترنت به کشور بود. از من خواستند چیزی را امضا کنم و من ترسیدم امضا کنم و گفتم به کسی بدهید که پشتوانه اش قوی است. می گفتند ممکن است از اینترنت سوء استفاده شود، ولی من در شورای عالی انقلاب فرهنگی گفتم حسن استفاده آن را هم بگویید لذا ما باید تکلیف روابط بین الملل کشور را روشن کنیم.

مهاجرت نخبگان

رئیس سابق سازمان انرژی اتمی با اشاره به اینکه مهاجرت نخبگان یکی از مشکلات کشور ما است، گفت: ببینیم چرا این اتفاق افتاده و علاجش کنیم. یک جوانی که دکترا گرفته می‌بیند نمی‌تواند اینجا امکاناتش را فراهم کند به جای دیگری می‌رود که هم تجهیزات و هم معیشتش را تأمین کند. حضرت رسول (ص) هم فرمودند «اطلبوا العلم ولوبالصین». حالا که این‌ها رفته اند، با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ما یک جوری به این‌ها وصل شویم‌ویی با اشاره به عدم استقبال از علوم پایه، اظهار داشت: ما بالاخره باید تکلیفمان با دنیا را روشن کنیم چون با این تحریم، هیچ وقت آزمایشگاه‌های ما تکمیل نمی‌شود. دکتر داوری آردکانی می‌گوید «علم خانه می‌خواهد و باید در خانه خود سکونت کند و باید آن را از سرگردانی نجات داد. علم باید با توسعه قرین شود و این امر فرا از طریق همکاری سیاست و حکومت با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها می‌تواند صورت گیرد».

دیدگاه

اعتیاد به اینترنت؛ بیماری پنهان و خطرناک

ادامه از صفحه اول

۳- اعتیاد به قمارهای آنلاین ۴- اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی آنلاین
از مهم‌ترین علائم وابستگی به اینترنت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱- گذاردن زمان بیش از حد در اینترنت ۲- مشغولیت ذهنی بیش از حد برای استفاده از اینترنت ۳- ناتوانی در کنترل کردن میزان استفاده ۴- بی‌قرار بودن در زمان عدم دسترسی- در عصر کنونی اعتیاد به اینترنت، وب گردی یا گشت و گذار در فضای مجازی آن هم بی‌هدف به رویه رایجی تبدیل شده و روز به روز در حال افزایش است به همین دلیل گفته می‌شود که اعتیاد به فضای مجازی از رایج‌ترین آسیب‌های تکنولوژی امروز است. همان‌طور که اعتیاد به مواد مخدر سن و سال نمی‌شناسد، باید گفت اعتیاد به اینترنت و گشت وگذار در فضای مجازی نیز سن و سال نمی‌شناسد و حتی برگ‌تر‌ها به دلیل اعتیاد به فضای مجازی دچار آسیب شده و تا جایی پیش رفته‌اند که نهاد خانواده از هم پاشیده شده است. بنابراین علاوه بر اعتیاد، خطر دیگری که خانواده‌ها را تهدید می‌کند، سردی روابط خانوادگی و به دنبال آن طلاق زوجین، در پی فعالیت بدون حد و مرز در شبکه‌های اجتماعی است. استفاده از آموزش‌های الکترونیکی و غیرحضوری دانش آموزان در دوران کرونا باعث شده که همه کودکان، جوانان و نوجوانان و حتی خانواده‌ها بیشتر درگیر فضای مجازی شوند و آسیب پذیری‌ها در زمینه‌های مختلف نیز به دنبال آن افزایش پیدا کند. اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی می‌تواند علاوه بر مشکلات جسمی و روحی به بلایی خانمان سوز تبدیل شود و بنیاد خانواده را که مهم‌ترین ارکان جامعه است، هدف قرار دهد. استفاده از اینترنت و فضای مجازی علاوه بر مزایا و فرصت‌های فراوان، تهدیدهایی نیز وجود دارد و اگر استفاده از این فضا به درستی توسط مسئولان و خانواده‌ها مدیریت نشود همانند یک بیماری پنهان بعد از مدتی سر باز می‌کند که می‌تواند سلامت جامعه را به مخاطره اندازد. لذا توصیه می‌شود که خانواده‌ها هم برای خود و هم برای فرزندان استفاده از اینترنت و فضای مجازی را به درستی و با دقت مدیریت کنند تا این تکنولوژی و ابزار به بلایی خانمان سوز تبدیل نشود و زمان را که گوان‌بهاترین سرمایه انسانی است، از دست ندهند.

دکتر بیژن عبدالکریمی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کوتوله‌های سیاسی با «نفی واقعیت» خشونت را ترویج می‌کنند

ما هنوز نتوانسته‌ایم با جهان مدرن ارتباط برقرار کنیم؛ از گشوده شدن فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم، هراس داریم

مهاجرت نخبگان جامعه ایران را فقیرتر می‌کند

اگر به واقعیت‌ها توجه نکنیم واقعیت‌ها از پشت به ما خنجر می‌زنند

با کوتوله‌های سیاسی در «پوزیسیون» و «اپوزیسیون» مواجهیم

بین کسانی که صحنه را سیاه می‌کنند نفوذی وجود دارند

افزایش مهاجرت نخبگان یک روند ضد توسعه است

گفتمان انقلاب برای عبور از چالش‌ها به یک گفتمان بدیل بیندیشد

کوتوله‌های سیاسی پشت نقاب دیگران را تشویق به مهاجرت می‌کنند

هنوز نتوانسته‌ایم با جهان مدرن ارتباط برقرار کنیم

آرمان ملی - احسان انصاری: افزایش مهاجرت نخبگان و شکل‌گیری گزاره «دیگر نمی‌توان اینجا زندگی کرد» چه پیامدهایی برای پروژه توسعه و دموکراسی در ایران خواهد داشت؟ این سؤالی است که «آرمان ملی» در گفت‌وگو با دکتر بیژن عبدالکریمی نویسنده و استاد فلسفه مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. عبدالکریمی از منتقدان جدی نگاه سیاسی به مقوله فرهنگ است و معتقد است باید رویکرد اونتولوژیک جایگزین رویکردهای تئولوژیک و ایدئولوژیک شود. او بر بازخوانی سنت فکری متفکرانی همچون علی شریعتی و احمد فردید تأکید می‌کند و رویکرد صاحب‌نظرانی چون عبدالکریم سروش، مصطفی ملکیان و محمد مجتهد شبستری نسبت به متون مقدس را مورد نقد قرار داده است. در ادامه گفت‌وگوی «آرمان ملی» با دکتر عبدالکریمی را می‌خوانید.

صحنه سیاسی کنار گذاشته شده‌اند. من فکر می‌کنم از جمله ضرورت‌های امنیت ملی ماست که این فلش را بر گردانیم و بگوئیم دوباره رویکرد جاذبه را در گفتمان انقلاب تقویت کنیم که البته کار دشواری خواهد بود و تا حدودی دیر شده است.

◀ در چنین شرایطی چه باید کرد؟

در ابتدا باید دو مسأله را از هم تفکیک کرد. هر زمان که از شکاف تمدنی ما در مواجهه با مدرنیته شکل گرفت دومین شکاف تمدنی ما در مواجهه با جهان پسامدرن بود. متأسفانه گفتمان انقلاب تلاش کرد فقدان مواجهه فکری، فلسفی و پدیدارشناسانه با جهان معاصر را با نظام الهیاتی و ایدئولوژی سیاسی جبران کند. درصورتی که به هیچ وجه نمی‌توان جای خالی تفکر حکمی و فلسفی را با ایدئولوژی، فقه و سیاست پر کرد. نکته دیگر اینکه گفتمان انقلاب فاقد گفتمانی بود که بتواند با «موبژه» مدرن ارتباط برقرار کند. لذا «موبژه» مدرن با آسانی که به ارزش‌های مدرن تعلق دارد که خود را به ارزش‌های بومی و بلکه به ارزش‌های جهانی و مدرن که البته هژمونی آن با غرب است نتوانست با گفتمان انقلاب ارتباط برقرار کند. گفتمان انقلاب باید به‌جای گفتمان «دافعه» از گفتمان «جاذبه» استفاده می‌کرد. کسانی که در چنین شرایطی عنوان می‌کنند افرادی که وضعیت موجود را قبول ندارند بهتر از کشور بروند در واقع «غلط زیادی» می‌کنند. اینکه من در این خاک به دنیا آمدم عطیه و لطف الهی است. کشور و سرزمین هر فردی مانند مادر آن فرد است. این موضوع ربطی به مشکلاتی که مردم با آن مواجه هستند ندارد. هر فردی نه‌تنها می‌تواند در کنار مادر خود به آرامش دست پیدا کند. شاید در جای دیگر افرادی باشند از مادر فرد جوان‌تر و زیباتر باشند اما هیچ کس نمی‌تواند جای نفس مادر را برای یک فرد دیگر، من با این کشور، سرزمین و فرهنگ نسبت‌هایی دارم. در گذشته نیز محمدرضا شاه این حرف اشتباه را زد که هر کسی می‌خواهد از این کشور برود. این حرف زشت و ضد ملی است و کسانی که چنین اظهاراتی را بیان می‌کنند درنهایت بدترین بر خوردها با آنها صورت می‌گیرد. این ادبیات گفتمان انقلاب نیست، بلکه گفتمان کوتوله‌های سیاسی است که در پشت انقلابی گری دروغین پنهان شده‌اند و چنین اظهاراتی را بیان می‌کنند.

◀ چرا گفتمان انقلاب نتوانسته با جهان مدرن خود را تطبیق بدهد؟ آیا این گفتمان به دلیل چالش‌های درونی با چنین وضعیتی مواجه بود و یا فشارهای بیرونی اجازه چنین کاری را به این گفتمان نداده است؟

در اینکه نظام سلطه فشارهای زیادی وارد آورده تردیدی وجود ندارد. نظام سلطه عظیم‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین فشارهایی که امکان داشت به یک کشور وارد شود را به گفتمان انقلاب و ایران وارد کرد و در این موضوع هیچ تردیدی وجود ندارد. بحث دوراقع یک نوع آسیب‌شناسی داخلی است. گفتمان انقلاب فاقد مفاهیمی بود که بتواند همه ملت را حول آن جمع کند. به همین دلیل نیز شاهد هستیم که صادق‌ترین و دلسوزترین افراد به دلایل مختلف از صحنه خارج شده‌اند. به‌عنوان‌مثال اگر ما به وضعیت روسای جمهوری پیشین دقت کنیم متوجه می‌شویم که روسای جمهور گذشته از شکاف تمدنی ما در مواجهه با مدرنیته شکل گرفت دومین شکاف تمدنی ما در مواجهه با جهان پسامدرن بود. متأسفانه گفتمان انقلاب تلاش کرد فقدان مواجهه فکری، فلسفی و پدیدارشناسانه با جهان معاصر را با نظام الهیاتی و ایدئولوژی سیاسی جبران کند. درصورتی که به هیچ وجه نمی‌توان جای خالی تفکر حکمی و فلسفی را با ایدئولوژی، فقه و سیاست پر کرد. نکته دیگر اینکه گفتمان انقلاب فاقد گفتمانی بود که بتواند با «موبژه» مدرن ارتباط برقرار کند. لذا «موبژه» مدرن با آسانی که به ارزش‌های مدرن تعلق دارد که خود را به ارزش‌های بومی و بلکه به ارزش‌های جهانی و مدرن که البته هژمونی آن با غرب است نتوانست با گفتمان انقلاب ارتباط برقرار کند. گفتمان انقلاب باید به‌جای گفتمان «دافعه» از گفتمان «جاذبه» استفاده می‌کرد. کسانی که در چنین شرایطی عنوان می‌کنند افرادی که وضعیت موجود را قبول ندارند بهتر از کشور بروند در واقع «غلط زیادی» می‌کنند. اینکه من در این خاک به دنیا آمدم عطیه و لطف الهی است. کشور و سرزمین هر فردی مانند مادر آن فرد است. این موضوع ربطی به مشکلاتی که مردم با آن مواجه هستند ندارد. هر فردی نه‌تنها می‌تواند در کنار مادر خود به آرامش دست پیدا کند. شاید در جای دیگر افرادی باشند از مادر فرد جوان‌تر و زیباتر باشند اما هیچ کس نمی‌تواند جای نفس مادر را برای یک فرد دیگر، من با این کشور، سرزمین و فرهنگ نسبت‌هایی دارم. در گذشته نیز محمدرضا شاه این حرف اشتباه را زد که هر کسی می‌خواهد از این کشور برود. این حرف زشت و ضد ملی است و کسانی که چنین اظهاراتی را بیان می‌کنند درنهایت بدترین بر خوردها با آنها صورت می‌گیرد. این ادبیات گفتمان انقلاب نیست، بلکه گفتمان کوتوله‌های سیاسی است که در پشت انقلابی گری دروغین پنهان شده‌اند و چنین اظهاراتی را بیان می‌کنند.

> هر زمان که از تغییر گفتمان صحبت می‌شود برخی گمان می‌کنند منظور سازش است. این افراد تلاش می‌کنند موضوع را سیاسی کنند جای فلسفه و تفکر حکمی در این زمینه خالی است. گفتمان انقلاب اگر می‌خواهد به مسیر خود ادامه بدهد باید به یک گفتمان بدیل بیندیشد

◀ مذاکره مستقیم با آمریکا می‌تواند گره از کار مذاکرات باز کند و آیا اساسا باید به چنین سمتی حرکت کرد؟

ایران امروز باید با کشورهایی که در صف نخست مخالفت با آنها قرار دارد و مذاکره شود و نباید از رایزنی و گفت‌وگو فاصله بگیرد. قهر کردن در روابط بین‌الملل معنا ندارد و نباید با قهر کردن با سایر کشورها، فرصت‌ها را از دست دهیم. لازم است برای مذاکره کردن با آمریکا حتما با آن‌ها دوست باشیم. مساله جدی است و باید با وجود تمامی اختلافات با جدیت با آمریکا گفت‌وگو کنیم و متخصصا این به معنای دوستی با آمریکا نیست بلکه گفت‌وگو انجام می‌شود تا تغییر گفتمان صحبت می‌شود برخی گمان می‌کنند منظور این است که باید با غرب سازش کنیم. این افراد تلاش می‌کنند موضوع را سیاسی کنند درحالی که من یک بحث فلسفی می‌کنم. جای فلسفه و تفکر حکمی در این زمینه خالی است و هیچ‌چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند. گفتمان انقلاب اگر می‌خواهد به مسیر خود ادامه بدهد و آسیب‌های کنونی را پشت‌سر بگذارد حتما باید به یک گفتمان بدیل بیاندیشد وگرنه شکست خواهد خورد.

◀ این گفتمان بدیل دارای چه ویژگی‌هایی است؟

یکی از ویژگی‌های آن این است که حول وفاق ملی شکل بگیرد و بتوانیم همه ملت را حول پاره‌ای از ایده‌ها جمع کنیم. در چنین شرایطی می‌توانیم جهت مهاجرت را برعکس کنیم. امیدوارم روزی فرارسد که مردم دیگر کشورها به ایران مهاجرت کنند و اینجا را شایسته یک زندگی انسانی ببینند و نه اینکه نخبگان و سرمایه‌های ملی این کشور رهسپار کشورهای دیگر و غربت شوند.

◀ به باور برخی جامعه شناسان در شرایط کنونی ما با پدیده‌ای جامعه‌شناختی مواجه هستیم که نخبگان در درون کشور نیز احساس غربت می‌کنند. دلیل این موضوع چیست؟

با این عده مواقفم و معتقدم با چنین پدیده‌ای مواجه هستیم. اکثر نخبگان ما در یک فضای گفتمانی زندگی می‌کنند که با جهان مدرن پیوند خورده است. این در حالی است که گفتمان انقلاب متأسفانه نتوانسته با این نخبگان ارتباط برقرار کند. به همین دلیل این پدیده باید تغییر کند. ما همواره با دو نوع کوتوله سیاسی مواجه هستیم. کوتوله‌های سیاسی در «پوزیسیون» و کوتوله‌های سیاسی در «اپوزیسیون.» اینها مانند تپه یک قیچی عمل می‌کنند که شکاف اجتماعی را تا جایی زیاد کرده‌اند که این فضای ذهنی برای برخی به وجود آمده که دیگر نمی‌توان در این کشور زندگی کرد. این یک نوع توهم است. این کشور سرشار از زندگی است و امید موج در همه نقاط آن زندگی را امید موج می‌زند. من منکر مشکلات و بحران‌ها نیستم و معتقدم مشکلاتی وجود دارد که در برخی زمینه‌ها جدی است. با این‌وجود نقاط قوت زیادی در کشور داریم و هنوز زندگی موج می‌زند. در این کشور سرمایه عظیم انسانی وجود دارد که یک منبع امیدبخش به شمار می‌رود. متأسفانه نادانان به کمک قدرت‌های خارجی تلاش می‌کنند صحنه را مدام سیاه و سیاه‌تر کنند. برخی در گفتمان انقلاب نیز به این عده کمک می‌کنند و فضا را تیره‌وتار می‌کنند. من فکر می‌کنم در بین عده برخی نفوذی نیز وجود دارند. این عده تلاش می‌کنند فضای کشور دائماً یک فضای امنیتی، بسته، پلیسی و بگیروببند باشد. هدف این عده نیز این است که گفتمان انقلاب را بد جلوه بدهند. اگر را نیز به نام دفاع از انقلاب و اسلام انجام می‌دهند. در چنین شرایطی نیروهای انقلاب باید هوشیار باشند و هوشیار تر از گذشته عمل کنند. امروز شرایط بسیار حساس شده است.

◀ چه اتفاقی در جامعه ایران رخ داد که گزاره «دیگر نمی‌شود اینجا زندگی کرد» شکل گرفت و برخی نیز به آن دامن زدند؟

هوشمندی بیگانگان و قدرت‌های وابسته به نظام سلطه و جنگ رسانه‌ای که در این زمینه شکل گرفت در ایجاد این گزاره نقش داشته است. این در حالی است که به گمان من ما این جنگ رسانه‌ای را باخته‌ایم. ما به مسائل انسانی توجه نداشته‌ایم و مسائل را تنها از سطح سخت و سخت‌افزاری مشاهده کرده‌ایم. ما فکر کردیم تنها می‌توان با مناطق امنیتی و نظامی همه مشکلات را حل کنیم و به جنبه نرم و نیم‌افزاری که با علوم انسانی ارتباط پیدا می‌کند توجه نکردیم و علوم انسانی را تحقیر کردیم. نخبگان مدت‌هاست در حوزه علوم انسانی هشدار داده‌اند. بااین‌وجود این هشدارها جدی گرفته نشده است. شرایط امروز به نحوی دنبال شده که امنیت ملی ما به خطر افتاده است. ادامه این روند امنیت ملی ما را به خطر خواهد انداخت. کسانی که به این کشور و انقلاب عشق می‌ورزند و خود را متعهد به ارزش‌های انقلاب، خون شهدا و فداکاری جانبازان می‌دانند نباید اجازه بدهند کوتوله‌های سیاسی فضای کشور را به سمت خشونت و سرکوب و انسداد هدایت کنند. ما باید تلاش کنیم فضا را بازکنیم. توصیه من این است که نباید از گشوده شدن فضا هراس داشت. گشوده شدن فضا می‌تواند منجر به تحولات عمیق شود و وحدت ملی ما را در برابر نظام سلطه تقویت کند. بدون تردید بسته شدن فضای کشور به مهاجرت بیشتر نخبگان دامن می‌زند و باعث می‌شود سرمایه‌های مادی و معنوی کشور از بین برود.

> کشوده شدن فضا می‌تواند منجر به تحولات عمیق شود و وحدت ملی ما را در برابر نظام سلطه تقویت کند. بدون تردید بسته شدن فضای کشور به مهاجرت بیشتر نخبگان دامن می‌زند و باعث می‌شود سرمایه‌های مادی و معنوی کشور از بین بروند

◀ یکی از دلایلی که پروژه توسعه در کشوری مانند افغانستان به‌صورت کامل متوقف شد حذف و جنگ بین نخبگان این کشور بود. آیا مهاجرت و خالی شدن صحنه کشور از نخبگان می‌تواند شرایطی را به وجود بیاورد که پروژه توسعه و دموکراسی در ایران کمرنگ یا متوقف شود؟

بله، این خطر و نگرانی برای من هم وجود دارد. اگر قرار است نخبگان برودو به نیروهای انسانی توجه نشود نمی‌توان انتظار توسعه داشت. ما برای تربیت همه نخبگان جامعه هزینه‌های گزافی را پرداخت کرده‌ایم. این در حالی است که بسیار ساده از این نیروها از کشور مهاجرت می‌کنند و جذب کشورهای دیگر می‌شوند. باید بپذیریم که بدون نیروی انسانی نخبه توسعه امکان پذیر نیست. توسعه یک امر دولتی نیست و نمی‌تواند توسط دولت صورت بگیرد. توسعه نیازمند عزم و وحدت ملی است و اگر این وحدت ملی شکل بگیرد ما نمی‌توانیم به دست پیدا کنیم. البته وحدت ملی تنها شرط توسعه نیست اما یکی از مهم‌ترین آنهاست. ما مشکلات ساختاری مواجه هستیم که در قبل از انقلاب نیز وجود داشته است. برخی از مشکلات ما ریشه چند صدساله دارد. در شرایط کنونی نیز گفتمان انقلاب و دولت آقای رئیسی باید مواجهه پدیدارشناسانه با مسائل داشته باشد و واقعیت‌ها را به همان شکل که وجود دارد ببینند. نباید از آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها به‌سوی واقعیت‌ها حرکت کرد، بلکه باید از واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها حرکت کرد. اگر به واقعیت‌ها پشت کنیم واقعیت‌ها از پشت به ما خنجر می‌زنند. امروز مواجع بزرگی در جامعه ایران برای مواجهه با واقعیت‌ها به چیز در میان «پوزیسیون» و چه در میان «اپوزیسیون» وجود دارد. ایدئولوژی و سیاست زدگی فضا را آکنده کرده است. در چنین شرایطی ما نیازمند یک مواجهه عقلانی هستیم. قبل از این مواجهه عقلانی نیز ما باید دیدده‌ها و مسائل جامعه را به همان شکلی که وجود دارد ببینیم. ما باید از واقعیت‌ها کمک بگیریم که ما را در حل مسائل کمک کند.

یادداشت

عصر حیرت و ضرورت گفت‌وگو

مهدی نصیری
فعال رسانه‌ای اصولگرا

با توجه به مباحث پیشین درباره دیدگاه حرکت ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا در عصر غیبت امکان رسیدن به حقیقت در همین حد نسبی که ما مدعی آن هستیم، برای دیگران امکان ندارد؟ پاسخ این است که باید ممکن است کسانی از ادیان و مکاتب دیگر به آنچه ما حقیقت می‌دانیم مانند توحید و نبوت و امامت و معاد و شریعت اسلام، از طریق استدلال عقلی و مطالعه متون و یا گفت‌وگو با اندیشمندان مسلمان، دست یابند و حجت بر آنان به طور نسبی تمام شود اما بعد آگاهانه و عنوادانه در برابر حقیقت بایستند و منکر شوند و در این صورت مستحق عناوینی چون کفر و الحاد و فسق و... شوند اما اولا در این صورت لازم است آگاهی و عناد آنها در برابر حقیقت احراز شود تا بتوان آنان را به چنین صفاتی متصف کرد و البته رسیدن به چنین اطمینانی، سخت و دیریاب است. ثانیا در این صورت نیز مجاز به اعمال خشونت علیه آنان بدون آنکه آنان دست به خشونتی بزنند، نیستیم. در جمع بندی باید بگوییم که بر اساس دیدگاه حیرت، اکثریت قاطع انسان‌های کنونی که محروم از حضور حجت معصوم خواوندند، مستحق بار خواست و عقوبت خداوند از جهت مسائل اعتقادی و عدم رعایت حق‌ا... نبوده و به دلیل کرامت انسانی، در دنیا نیز سزاور تکفیر و تفسیق و تحریم از حقوق و حرمت انسانی از جانب مومنان و هیچ‌کس دیگر نیستند و باب خشونت و نزاع‌های کهنه توزاله عقیدتی و ایدئولوژیک بسته است. طبیعی است با چنین نتیجه گیری باب تساهل، تسامح و مدارا با آنانکه از نظر ما دگراندیش بوده و اندیشه و حتی مذهب دیگری دارند، گشوده بوده و تکثر عقیدتی و مذهبی را از جهت تعامل و تعایش و گفت‌وگو با هم به رسمیت می‌شناسیم، بی‌آنکه لازم باشد حقیقت مطلق را که نزد خداوند و پیامبران و اهل‌بیت(ع) محفوظ است و ما نیز با مراجعه به کتاب و سنت و عقل می‌توانیم به نسبتی از آنها به طور علمی و اطمینانی و به بخشی از آن به طور ظنی، دست یابیم و از یافته‌های خویش به طور منطقی دفاع کنیم، منکر شویم. از دیگر نتایج مهم دیدگاه حیرت فاصله گیری از دگم و جزمیت بر سر مسائلی در ساحت‌های دینی و فقهی و علوم انسانی است که از دایره حقایق علمی و قطعی خارج بوده و در دایره ظنیات و اختلافیات قرار دارد. همین که در موضوعی با بیش از یک دیدگاه در میان اهل فن و متخصصان آن موضوع مواجه هستیم و بعضا ادله هر طرف از وزنی قریبا مساوی با ادله طرف دیگر برخوردار است و به اصطلاح تکافوی ادله وجود دارد، معنی‌اش این است که ادعای قطع و یقین گزاف و نظریه مختار خود را غیرقابل بحث دانستن و بدتر آنکه بر سر آن جنگ و نزاع راه انداختن، ناشی از تعصب و جزمیت بی‌دلیل است. با دیدگاه حیرت، ضرورت گفت‌وگو بر سر مسائل عقیدتی و یافته‌های علوم انسانی و دانش‌های غیر یقینی رخ می‌نماید در این مسائل باید همیشه تمثیل «قیل در تاریکی» نصب العین ما باشد که به دلیل عدم احاطه تام و کامل به یک موضوع و حقیقت، و فقدان چراغ قبل الخطاب معصوم، هر کس از زاویه دید خاص خود درباره موضوع نظر می‌دهد و این نظرات گاه با هم تضادهایی فاحش دارند اما در این میان یک راه برای آنکه به موضوع و حقیقت تقرب بیشتری پیدا کنیم آن است که انظار گوناگون با یکدیگر گفت‌وگو کرده و بر نقاط ضعف و قوت خود آگاه شده و نظر قوی‌تر را انتخاب کنند. بر اساس چنین رویکردی است که در سیاست سخن از ضرورت گفت‌وگو و استفاده از خرد جمعی به میان می‌آید و به سیاستمداران توصیه می‌شود که برای خود تاکید نورزند و به روی دیدگاه‌های و مختلف گشوده باشند. در عرصه دانش فقه نیز که جولانگاه حیرت است، ضرورت شورای افتاء و رایزنی و گفت‌وگوی مستمر فقها با یکدیگر مطرح می‌شود، چیزی که ضعف آن در حوزه‌های علمیه کاملا محسوس است.

گپ

رهبری قبل و حالا؛ با کلیات برجام مخالفت نداشتند

ادامه از صفحه ۳/

از دیدگاه شما در آینده آقای لاریجانی به سمت اصلاح‌طلبان حرکت خواهد کرد؟

بعید است چنین اتفاقی رخ بدهد. اگر می‌خواست این گونه باشد دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا تشکیل نمی‌شد. سن و سال شما شاید ایجاب نکند در اول انقلاب یک جامعه روحانیت بیشتر نداشتیم، در همان دور اول مجلس به این نتیجه رسیدند که جدا بشوند و دو تفکر دارند. بنابراین تحت عنوان جامعه روحانیت و مجمع روحانیون جدا شدند. جامعه روحانیت راه خودش را رفت و مجمع روحانیون هم راه خودش را. بنابراین بعید است که آقای لاریجانی نامزد جناح اصلاح‌طلب باشد. مگر اینکه در تنگنای نامزد قرار بگیرند یا اینکه دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا با هم حزب تشکیل بدهند. تشکیل حزب مبنای فکری هماهنگ نیاز دارد، بعید به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان با هم حزب داشته باشند یا اینکه از ابتدا هم دو جناح یک نامزد معرفی کنند. اگر در کمیود نامزد انتخاباتی قرار بگیرند مانند سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ ممکن است اصلاح‌طلبان هم به اصولگرایان کمک کنند. در انتخاب آقای روحانی به عنوان یک شخصیت اصولگرا، اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ به کمک اصولگرایان آمدند. این احتمال هست و باید منتظر شرایط زمان و مکان بود.

◀ مدتی است صحبت از تشکیل حزب فراگیر هم از سوی اصولگرایان و هم از سوی اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود، فرمی کنید آقای لاریجانی در راستای تشکل حزب واحد تلاش خواهد کرد؟

تشکیل حزب واحد در دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا منتهی ارزوی ماست که تعدد احزاب در حد معمول آن خوب است. دو، سه، چهار اما الان ۲۰۰ حزب در وزارت کشور ثبت نام کرده‌اند. بعضی از این احزاب حزب خانوادگی هستند. یعنی آقا و خانم و دو تا دختر یا پسرش به همراه عروس و داماد، شده‌اند یک حزب، اینکه حزب نشد. بنابراین آرزوی ما هم ادغام این احزاب و تشکیل حزب واحد است و ما در مجلس هشتم طرح مربوط به آن را نوشتیم و تصویب هم شد، ولی ادغام احزاب در یکدیگر یعنی الان ابزار آن آماده شده و باید نیت‌ها و افکار سران احزاب متفاوت و متعدد به این نتیجه برسند که در هم ادغام بشوند و حزب فراگیر تشکیل بشود. پس آرزوی ما این است، اما اینکه این امر تحقق پیدا خواهد کرد یا نه، باز باید منتظر زمان بود. در مورد نقش آقای علی لاریجانی در تشکیل حزب واحد و فراگیر اصولگرایان به نظرم نه! چون اگر می‌توانست این‌کار را بکند و جمع نظر همه اصولگرایان را داشته باشد که ۲۲۰ نماینده مجلس به آقای رئیسی نامه نمی‌نوشتند که به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری داوطلب شود. اگر ایشان می‌توانست شورای نگهبان ایشان را رد صلاحیت نمی‌کرد. در شرایط موجود ایشان نمی‌تواند اما در آینده که تجربیات و عبارت‌های جدیدی برای محافظه کاران و اصولگرایان پیش بیاید احتمال آن ممکن است.

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

برجام از «موانع داخلی» عبور کرده است

◀ مذاکره با آمریکا به معنای دوستی نیست؛ مقام‌های عراقی برای ایران پیام‌هایی آورده بودند

◀ فشار عدم توافق بر مردم تحمیل می‌شود

**آرمان ملی - علیرضا پورحسین: طبق شنیده‌ها، دور جدید مذاکرات وین از روز دوشنبه آغاز خواهد شد و روند گفت‌وگوها ادامه پیدا می‌کند. رایزنی‌هایی که به نظر می‌رسد به اوج اهمیت خود رسیده‌اند. در این میان برخی مقامات دخیل خبر از پیشرفت مذاکرات می‌دهند و برخی نیز بر این باور هستند که فقط چند هفته فرصت تا رسیدن به توافق وجود دارد. پیام‌ها و امیدهایی که به نظر می‌رسد از روز دوشنبه بیشتر ایهامات پیرامون آنها از بین خواهد رفت. در این میان شاهد سف